

زن و جوامع عرب در طول یک قرن

تحلیل و کتاب‌شناسی گفتمان جوامع عربی درباره زن در قرن بیستم

زیر نظر

مُنی ابوالفضل

ترجمه

هومن ناظمیان

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۴

سرشناسه: ابوالفضل، منی عبدالمنعم، ۱۹۴۵-۲۰۰۸ م.

عنوان و نام پدیدآور: زن و جوامع عرب در طول یک قرن: تحلیل و کتاب‌شناسی گفتمان جوامع عربی درباره

زن در قرن بیستم / زیر نظر منی ابوالفضل: ترجمه هومن ناظمیان.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۵۱ ص. جدول.

شابک: 978-964-00-1797-5

وضعیت فهرست‌نویسی: قیای مختصر.

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتنامه.

شابسه افروده: ناظمیان، هومن، ۱۳۵۷-، مترجم.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۳۵۵۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۷۹۷-۵

این کتاب ترجمه‌ای است از:
د. منی ابوالفضل، المرأة العربیة و المجتمع فی قرن: تحلیل و بلیوجرافیا للخطاب العربی حول المرأة فی القرن
العشرین، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۳.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵۴۱۹۱

زن و جوامع عرب در طول یک قرن

© حق چاپ: ۱۳۹۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

زیر نظر: منی ابوالفضل

مترجم: دکتر هومن ناظمیان

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۳

چاپ و صحافی: اسپید، تلفن: ۸۸۸۴۲۷۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹		مقدمه مترجم
۱۵		پیشگفتار
۲۵		زن و جوامع عرب در یک قرن مطالعه تحلیلی
۲۶		مبانی و اهداف نهایی این پروژه
۲۹		کتاب‌شناسی زن و جامعه در یک قرن، مبانی پژوهشی و ابعاد اجرایی
۳۰		استراتژی تحقیق
۳۰		۱. تعیین محدوده اجتماعی - جغرافیایی تحقیق
۳۱		۲. تعیین محدوده تاریخی
۳۲		ابعاد اجرایی
۳۲		۱. مشخص نمودن برخی از مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع
۳۳		۲. تعیین چهارچوب تاریخی
۳۳		۳. تعیین چهارچوب جغرافیایی
۳۴		۴. منابع
۳۵		مراحل استفاده از داده‌ها
۳۶		راهنمای اسناد و مطالعه داده‌های کتاب‌شناسی
۴۰		نتایج تحقیق
۴۳		گرایش‌های عمومی گفتمان زن در دوره‌های سه‌گانه
۴۴		دوران نهضت (۱۸۵۰ - ۱۹۵۵م)
۴۶		نهضت زنان در سایه مرحله لیبرالیسم
۴۷		گفتمان نهضت و ویژگی‌های آن در فهرست‌های کتاب‌شناسی
۴۸		۱. تعدد و تنوع فکری و ایدئولوژیک
۵۰		۲. باز شدن فضای فرهنگی به روی جهان عرب و اسلام
۵۴		۳. محوریت مسئله اصلاح در گفتمان جامعه درباره زن

۵۵	زن و مفهوم اصلاحات در اندیشه نهضت.....
۶۳	۴. تمرکز معضل دوگانگی غرب و اسلام در گفتمان نهضت درباره زن.....
۶۸	پیشگامان جنبش زنان و پیچیدگی مسئله فرهنگ خودی و بیگانه.....
۷۵	برجسته‌ترین مسائل و گروه‌ها در دوران نهضت.....
۷۹	دوران میانه (۱۹۵۶ - ۱۹۷۴).....
۸۰	مسئله زن در سایه نظام قیمومیت و ملی‌سازی.....
۸۳	فهرست‌شناسی و گفتمان دوران میانه.....
۸۹	دوران معاصر (۱۹۷۵ - ۱۹۹۹م).....
۹۰	قالب‌های این دوران: جهانی شدن و تجزیه شدن.....
۹۳	ویژگی‌های کلی گفتمان زن در ربع آخر قرن بیستم.....
۱۰۱	ملاحظات کلی پیرامون گروه‌های دوران معاصر.....
۱۱۰	شرح مختصر برخی آثار درباره زنان بر حسب ترتیب الفبا.....
۱۳۰	پایان سخن / به قلم مترجم.....
۱۳۵	فهرست‌های کتاب‌شناسی.....
۱۳۵	دوران نهضت (۱۸۵۰ - ۱۹۵۵).....
۱۳۵	۱. اسناد و آثار منتشر شده.....
۱۳۵	۲. جدال بر سر آزادی و حجاب زن.....
۱۳۹	۳. تعلیم و تربیت زن.....
۱۴۱	۴. زن و نقش‌های اجتماعی (ازدواج / خانواده و...).....
۱۴۳	۵. زن و مسئله مشارکت سیاسی و اجتماعی.....
۱۴۳	۶. اسلام و مسائل زن (آثاری از درون و بیرون رویکرد اسلامگرا).....
۱۴۷	۷. جنبه قانونگذاری مسئله زن (قانون احوال شخصی و اختلافات آن).....
۱۴۸	۸. آثار فلسفی، روانشناختی و فرهنگ عمومی.....
۱۵۱	۹. برداشتهای تاریخی و اجتماعی از نقش زن.....
۱۵۳	۱۰. زنده کردن یاد زنان صاحب‌نام و زندگی‌نامه‌های آنان.....
۱۵۷	۱۱. مطالعات درباره زن و ادبیات.....
۱۵۷	۱۲. ادبیات و نوآوری زنان.....
۱۶۰	۱۳. کتاب‌های ترجمه شده درباره زن.....
۱۶۲	دوران میانه (۱۹۵۶ - ۱۹۷۴).....
۱۶۲	۱. اسناد، گزارش‌ها و گزارش‌های رسمی و شبه‌رسمی.....
۱۶۴	۲. همایش‌ها، کنفرانس‌ها و انجمن‌های محلی و بین‌المللی.....
	۳. زن و مشکلات اجتماعی (آموزش، اشتغال، بهداشت، توسعه، فقر، خشونت، جامعه، فعالیت سیاسی و عمومی و...).....
۱۶۵	

۴. مسائل خانواده و [نقش] مادری.....	۱۶۷
۵. اسلام و مسائل زنان (آثاری از درون و بیرون جریان اسلامگرا).....	۱۷۰
۶. جنبه قانونگذاری مسئله زن (قانون احوال شخصی و دعاوی آن).....	۱۷۴
۷. زن در ادیان آسمانی.....	۱۷۸
۸. قرائت‌های تاریخی، اجتماعی و فلسفی درباره زن.....	۱۷۹
۹. تحلیل فرهنگی و روانشناختی زن.....	۱۸۱
۱۰. مسائل زن عرب.....	۱۸۲
۱۱. زنده کردن نام و یاد شخصیت‌ها و زندگینامه‌های زنان مشهور.....	۱۸۳
۱۲. مطالعات درباره زن و ادبیات.....	۱۸۹
۱۳. ادبیات و نوآوری زنان.....	۱۹۰
۱۴. کتاب‌های ترجمه شده درباره زن.....	۲۰۰
۱۵. منابع نامعین و آثار پراکنده.....	۲۰۲
دوران معاصر (۱۹۷۵ - ۲۰۰۰).....	۲۰۳
۱. مستندات، معاهدات، اطرها و اسناد رسمی.....	۲۰۳
۲. گردهمایی‌ها، همایش‌ها و سمینارها.....	۲۱۳
۳. زن و مشکلات اجتماعی (تحصیل، اشتغال، بهداشت، توسعه، فقر، خشونت، جامعه،...)	۲۱۸
۴. زن و مسئله مشارکت سیاسی و عمومی.....	۲۲۳
۵. مسائل خانواده و [نقش] مادری.....	۲۲۶
۶. اسلام و مسائل زنان (آثاری از داخل و خارج جریان اسلامگرا).....	۲۳۲
۷. جنبه قانونگذاری مسئله زن (قانون احوال شخصی و اختلافات آن).....	۲۵۵
۸. زن در ادیان آسمانی.....	۲۶۹
۹. تحلیل فرهنگی و روانشناختی از زن (رویکردها و تصویر زن در وسایل ارتباط جمعی).....	۲۸۰
۱۰. آثار نوشته شده درباره زن عرب.....	۲۸۷
۱۱. زنان و ناهنجاری‌های اجتماعی.....	۳۱۰
۱۲. جسم (زن).....	۳۱۱
۱۳. زندگینامه زنان مشهور.....	۳۱۲
۱۴. تحقیقاتی درباره زنان و نوآوری.....	۳۲۲
۱۵. نوآوری زنان، (رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، شعر، زندگینامه و...).....	۳۲۸
۱۶. آثار ترجمه شده.....	۳۴۵
۱۷. کتاب‌شناسی درباره زنان.....	۳۴۹
۱۸. آثار متفرقه.....	۳۵۰

مقدمه مترجم

دگرگونی‌های عمیق و همه‌جانبه فرهنگ و اندیشه بشری در چند قرن گذشته، تنها به اروپا و مغرب زمین محدود نشد، بلکه بر مشرق زمین و به ویژه جهان اسلام نیز تأثیر فراوان گذاشت و سبب شد، اندیشمندان و صاحبان فکر و قلم در جهان اسلام از جمله ایران و کشورهای عربی در جستجوی افق‌های تازه‌ای در عرصه فکر و فرهنگ برآیند و هر کدام به فراخور خاستگاه‌های فکری و عقیدتی خود، راه‌حلهایی برای برون رفت از عقب ماندگی و حل مشکلات متعدد کشورهایشان ارائه دهند. در این میان، سه رویکرد اصلی شکل گرفت که البته هنوز هم در جهان اسلام وجود دارد؛ گروهی راه چاره را در کنار گذاشتن بینش و منش سنتی و به ویژه مذهبی و در پیش گرفتن شیوه‌های نوین و غربی دیدند و به غربگرا و سکولار معروف شدند. در مقابل، عده‌ای تنها راه چاره مسلمانان را پیروی کامل و بی‌چون و چرا از سنت‌های گذشته و طرد و انکار هر نوع اندیشه جدید معرفی کردند و سلفی و سنت‌گرا نامیده شدند. اما سومین گروه که دو روش پیشین را افراط و تفریط می‌دانستند؛ بر این عقیده تأکید می‌کردند که می‌بایست متناسب با شرایط و مقتضیات فکری، فرهنگی و اجتماعی دوران جدید، راهی میانه برگزید و ضمن حفظ ارزش‌ها و مبانی دینی و مبارزه با تحجر، خرافه‌پرستی و تعصب از دستاوردهای مثبت و کارآمد اندیشه‌های نو نیز بهره‌مند شد. این گروه، بر این باور بوده و هستند که کژاندیشی‌ها، خرافات و سنت‌های نادرست که به نام دین ترویج و توجیه می‌شوند، در اصل ربطی به مبانی دینی نداشته بلکه به مرور زمان به دین تحمیل شده‌اند.

از جمله مهمترین و جنجال‌برانگیزترین مسائلی که همواره مورد اختلاف این گرایش‌ها بوده و هست مسئله زن، حقوق و مشکلات او است. غربگرایان با حمله به دین، باورهای مذهبی را مسئول و مقصر اصلی مشکلات و رنج‌های زنان می‌دانند، درحالی‌که سنت‌گرایان، هر نوع آزادی و فعالیت

زنان را نفی و انکار می‌کنند. اما اعتدال‌گرایان، ضمن دفاع از اسلام، بر این نظر تأکید می‌کنند که سنت‌های نادرستی که در جوامع اسلامی در گذشته و حال، سبب تضییع حقوق زنان شده، ارتباطی به اسلام ندارد و این تقصیر برخی مسلمانان است که با سوءاستفاده از دین می‌کوشند به فرهنگ مردسالاری تقدس ببخشند و پایمال کردن حقوق زنان را امری الهی جلوه دهند.

در این میان، گروهی از بانوان نخبه‌ی مسلمان عرب در قالب یک طرح علمی پژوهشی کوشیدند با نگاهی علمی و به دور از تأثیرات غرب‌گرایانه، وضعیت، شرایط، گذشته، حال و آینده‌ی زن در جوامع عربی را مورد بررسی اجمالی قرار دهند. کتاب حاضر در اصل، یکی از نتایج چنین طرح پژوهشی است که گروهی از بانوان نخبه و دانشگاهی مسلمان در دانشگاه‌های مصر و ایالات متحده آمریکا به سرپرستی خانم دکتر منی ابوالفضل که استاد کرسی مطالعات زنان در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا و مصر است آن را به انجام رسانده‌اند. آنان به معرفی و بررسی اجمالی تحلیلی و علمی تمام آثار پراکنده که در طول قرن بیستم در جهان عرب‌زبان، درباره زنان یا توسط زنان نوشته شده است و نتایج را ضمن تحلیل‌های جامعه‌شناسانه در قالب مجموعه‌ای شایان توجه از جدول‌ها و آمارها و نیز فهرست کتاب‌شناسی (۳۳۴۲ مورد) ارائه کردند و برخی از آثار شاخص را نیز اجمالاً بررسی کردند. از جمله اهداف این گروه؛ طرح‌ریزی رشته آکادمیک مطالعات زنان در دانشگاه‌های مصر است که نه بر اساس الگوهای غربی، بلکه بر مبنای ارزش‌ها و شرایط فرهنگی جامعه اسلامی عربی مصر بنا شود و نیز می‌کوشند به پرسش‌هایی اساسی پاسخ دهند که می‌تواند راهگشای بسیاری از معضلات و مشکلات زنان مسلمان باشد، مانند: جوامع عرب با گروه‌ها و جریانات مختلف درباره زن چگونه می‌اندیشند؟ دیدگاه آن‌ها در این زمینه در طی دوره‌های زمانی مختلف چه تغییراتی کرده؟ مسئله زن در ساختار فرهنگی و سیاسی ملت‌های عرب چه جایگاهی دارد؟... الی آخر.

از جمله ویژگی‌های این گروه محقق این است که در سراسر این طرح تحقیقاتی، ضمن پرهیز از گرفتار شدن در ورطه رویکردها و گرایش‌های غربی و غربزدگی، بر رویکردی خردمدارانه مبتنی بر بازگشت به اصول اصیل اسلام و ارزش‌های الهی و دوری جستن از تعصب و افراط تأکید می‌کنند و بر این باورند که رشته مطالعات زنان در کشورهای اسلامی نباید بر اساس تقلید کورکورانه از الگوهای غربی، بلکه باید متناسب با هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و بر مبنای آن‌ها پایه‌ریزی شود. به همین دلیل، تنظیم چنین کتاب‌شناسی را یکی از ضروریات شکل‌گیری این رشته علمی می‌دانند، زیرا بر این باورند که مقتضیات، علل و

انگیزه‌های ایجاد رشته‌های مطالعات زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان اسلام، از عمق مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی خود این کشورها نشئت می‌گیرد و در واقع، نیازهای بومی و داخلی، و به ویژه حجم انبوه آثاری که در یک و نیم قرن اخیر در جهان عرب درباره زنان نوشته شده، شکل‌گیری چنین رشته دانشگاهی را ایجاب می‌کند. مجریان این طرح معتقدند، رشته‌های مطالعات زنان و گرایش‌های آن در مغرب زمین، دچار از هم گسیختگی و رویکردهای افراطی شده و ما در جهان اسلام باید به منظور پرهیز از گرفتار شدن در این ورطه، میان مسئله زن و رشته مطالعات زنان از یک سو، و میراث فرهنگی - تمدنی جهان عرب و اسلام ارتباط برقرار کنیم. به همین دلیل، بر خلاف بسیاری از مجموعه‌های کتاب‌شناسی، به تحلیل بررسی ساختارهای اجتماعی - فرهنگی محیطی که این آثار در آن شکل گرفته توجه نشان دادند تا زیرساخت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی این آثار مشخص گردد، به ویژه نقش عامل اسلام که از نظر مجریان این طرح، نقشی انکارناپذیر در جنبش و خیزش زنان مسلمان داشته و دارد. یکی دیگر از اهداف این محققان نیز این است که با فعال نمودن مکانیزم‌های فقهی، بدون حرمت‌شکنی و تعرض به اصول و مبانی ثابت دین، میان اسلام و مدرنیسم مصالحه‌ای تاریخی و واقعی به وجود آورند.

مسئله اجتهاد بر حسب مقتضیات زمان، یکی از مهم‌ترین نکاتی است که مجریان این طرح پژوهشی به منظور اصلاح و بهبود وضعیت زنان در جهان اسلام بر آن تأکید دارند و آن را، از بهترین راه‌حل‌ها می‌دانند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که این طرح پژوهشی در محیطی سنی مذهب انجام گرفته درحالی که بحث اجتهاد، یکی از مهم‌ترین امتیازات آیین تشیع است و بر خلاف جهان تسنن، اجتهاد و مجتهدان در جهان تشیع از دیرباز در تحولات فکری و اجتماعی و پویایی اندیشه دینی همواره، نقش و سهمی غیر قابل تردید داشته و دارند.

از آنجایی که بررسی و مطالعه وضعیت تمام کشورهای عربی در قالب این طرح ممکن نبوده، مجریان این پروژه تحقیقاتی، محدوده جغرافیایی طرح را به کشور مصر - به دلیل ویژگی‌ها و امتیازات فرهنگی و اجتماعی که نسبت به سایر کشورهای عربی دارد - محدود کردند و آن کشور را به عنوان نمونه مورد بررسی قرار دادند. زیرا این کشور دارای امتیازاتی است که آن را الگوی تمام‌نمای جهان عرب قرار داده و به قول یکی از نویسندگان معاصر عرب «مصر آئینه جهان عرب در عصر جدید است». از جمله این ویژگی‌ها نفوذ و تأثیر فکری - فرهنگی مصر بر سایر کشورهای عربی است که آن را از قرن نوزدهم به بعد، به پیشگام تحولات فکری و فرهنگی جهان

عرب مبدل نموده است و الگویی است که ویژگی‌های ساختار بزرگتری را که به آن تعلق دارد، دارا می‌باشد. به ویژه اینکه این کشور صاحب بزرگترین مجموعه صنعت چاپ و نشر در جهان عرب است و یکی از مهمترین مراکز نشر در جهان اسلام نیز به شمار می‌رود.

محدوده زمانی پروژه، دوره‌ای است صد و پنجاه ساله، از نیمه قرن نوزده تا پایان قرن بیستم که خود به سه مرحله زمانی تقسیم می‌شود: مرحله اول از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۵ از عصر تحول فکری، فرهنگی، اجتماعی کشور مصر تا پایان نظام سلطنتی و آغاز دوران عبدالناصر. مرحله دوم از ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۴، که تقریباً مساوی است با دوران حاکمیت تفکر عبدالناصر در مصر و دوران سوم که ۲۵ سال پایانی قرن بیستم را در بر می‌گیرد.

نتایجی که در این تحقیق به دست آمده نیز بسیار قابل تأمل و درخور توجه است از جمله مهمترین این نتایج می‌توان به این مورد اشاره کرد که بر خلاف بسیاری از ادعاها و تبلیغات، نقش اسلام در شکل‌گیری آثار مختلف علمی، فلسفی و... بسیار پررنگ و تأمل‌برانگیز است و در تمام این دوران، بخش مهمی از آثار شکل گرفته را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین، این ادعا را که روشنفکران سکولار، و غربزدگان از فرنگ برگشته، تنها حامیان زنان بوده و هستند، نقض می‌کند و نشان می‌دهد که عامل اسلام و نویسندگان اسلامگرا نیز نقش و سهمی بسیار مهم و انکارناپذیری در این مسیر داشتند؛ هرچند که به عقیده این پژوهشگران، گرایش‌های افراطی و متعصبانه روشنفکران غربگرا از یک سو و اسلامگرایان افراطی و سلفی از سوی دیگر، به مسلمان اعتدال‌گرا و نیک اندیش، چندان مجالی برای اجرای آمال و ایده‌هایشان نداد. ولی با این وجود، اسلام و ارزش‌های دینی همواره یکی از مهمترین بخش‌های آثاری را تشکیل می‌دهد که در طول قرن بیستم درباره زنان عرب یا توسط آن‌ها به رشته تحریر درآمده است.

در پایان، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که نقل دیدگاه‌های مطرح شده در این کتاب که به رسم رعایت امانت در ترجمه انجام پذیرفته - به ویژه دیدگاه‌های متفکران و شخصیت‌های جریان‌های مختلف فکری - لزوماً به معنی تأیید و تصدیق همه آن‌ها نیست، بلکه در راستای هدف از ترجمه این کتاب صورت پذیرفته که عبارت است از آشنایی بیشتر با رویکردها و دیدگاه‌های گوناگون رایج درباره مسئله زن در جهان عرب و مراحل تاریخی تحول آن.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از خانم دکتر روشنفکر، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس که ترجمه این کتاب را به اینجانب پیشنهاد کردند و مشوق من بودند و همچنین دست‌اندرکاران

مؤسسه انتشارات امیرکبیر، قدردانی و تشکر نمایم. و امیدوارم ترجمه چنین آثاری گامی هر چند کوچک در جهت تعامل فکری و فرهنگی میان ما و همسایگان ما در جهان عرب باشد که گرچه قرن‌هاست در جوار یکدیگر زندگی می‌کنیم اما هنوز از دیدگاه‌های فکری و فرهنگی یکدیگر در عرصه‌های مختلف آنچنان که باید آگاه نیستیم.

پیشگفتار

این مجموعه کتاب‌شناسی، راهنمایی است فهرست شده و طبقه‌بندی شده، حاوی آثاری که در طول قرن بیستم دربارهٔ زن عرب و مسلمان به رشتهٔ تحریر درآمده است. این راهنما و طرحی که در پس آن قرار دارد، به منزلهٔ دریچه‌ای است برای طرح بسیاری از مسائل و نکات بغرنج مربوط به جایگاه واقعی زن در میان ملت‌های عرب، دگرگونی‌های آن، همچنین اهدافی که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و نیز مسائل مربوط به پایه‌گذاری فکری رشتهٔ مطالعات زنان در مرحلهٔ پیدایش و شکل‌گیری به عنوان یک رشتهٔ علمی نوپا و موضع‌گیری عرف و سنت در قبال تأسیس این رشتهٔ جدید.

اندیشه‌ای که این مجموعه را پی‌ریزی نموده، به مسئلهٔ زن به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل محوری دوران معاصر می‌نگرد. مسئله‌ای که واقعیات جوامع اسلامی را منعکس می‌کند، آن هم در شرایطی که این جوامع در بحبوحهٔ رویارویی با جریان‌های جهانی شدن - چه به صورت تعامل و چه منفعلانه - قرار دارند. بنابراین مسئلهٔ زن به مثابه نبض دورانی است که در مسیر حرکت و سرنوشت او مؤثر است. و به همین دلیل است که طرح ما، مطالعهٔ آثار معاصرین دربارهٔ زن را مقدمه‌ای می‌داند برای بررسی و تحلیل واقعیات این دوران و سرانجام این امت. به این ترتیب ما دیدگاهی مغایر با دیدگاه رایج در عرف گفتمان عمومی ارائه می‌کنیم که معتقد است مسیر حرکت و سرنوشت به امور مهم بستگی دارد و آن را در گرو حوادث بزرگ تاریخی قرار می‌دهد. همچنین دیدگاه ما با مباحث سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و غیره که در محافل سیاسی و امثال آن جریان دارد و باور دارد که زندگی اجتماعی فقط بر این مسائل استوار است، مغایر است. به نظر می‌رسد که زن و مسئلهٔ آن، در حاشیه قرار دارد، گویی در حاشیهٔ زندگی جای دارد. آن‌ها به این مسئله توجه نمی‌کنند که در بسیاری از موارد، موضوعاتی که در خلال مسئلهٔ زن، مطرح می‌شود با

مهمترین محورهای زندگی مردم پیوند و ارتباطی تنگاتنگ دارد و در حقیقت میان این دو، مرز مشخصی وجود ندارد.

این اطمینان، سبب می‌شود تا این موضوع، ابعاد خودش را پیدا کند و شکل بگیرد. این کتاب‌شناسی به ما نشان داد آثاری که در دوران معاصر دربارهٔ مسئلهٔ زن نوشته شده، اگرچه تازه شکل گرفته اما ریشه‌های آن به ربع آخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بازمی‌گردد؛ چرا که آن دوران که از نقاط عطف مسیر امت عرب به شمار می‌رفت، دورانی بود که ملت‌های عرب به شدت درگیر مواجهه با تمدن غرب و بروز چالش‌های تجدد و نوگرایی شدند. همانطور که حجم بالای این آثار، حاکی از آن است که آثاری که دربارهٔ زنان نوشته شده، چندین مرحلهٔ شکل‌گیری و تکامل را پشت سر گذاشته و نیز این آثار بیانگر موضوعات جنبه‌های مورد توجه، پیچیدگی‌ها و مسائل بفرنج و سؤالاتی است که در اثر جدال میان طرز فکر سنتی و مدرن دربارهٔ وضعیت زنان مطرح می‌شده است. این مسئله سبب شناخت رابطهٔ تکاملی میان آثار آن دوران و آثاری که در دوران معاصر دربارهٔ زنان نوشته شده می‌گردد و همچنین اسباب شناخت جدال‌های معرفتی موازی و شاید مطابق با همان جدال‌هایی که در مراحل شکل‌گیری، گریبانگیر نخستین آثار بوده، را فراهم می‌سازد.

از اینجاست که دیدگاه ما - که این مجموعه در چهارچوب طرح فکری‌مان بر اساس آن قرار گرفته - ما را به سوی افق‌های گسترده‌تری هدایت می‌کند. افق‌هایی که با مطالعهٔ اجمالی اندیشهٔ معاصر عرب و بررسی شکست‌ها و موفقیت‌های آن تا رسیدن به مرحلهٔ بحرانی و چندقطبی امروزی در ارتباط است. از طرف دیگر، در طرح ما، مسئلهٔ زن به فرصت مناسبی تبدیل شده برای طرح مسائل مهم مرتبط با شکل‌گیری گفتمان عربی و اسلامی، اهداف آن‌ها و حرکت امت عرب به سوی اهداف خود.

شاید این دغدغه‌هایی که در اینجا مطرح می‌کنیم سبب شده باشد تا این مجموعه کتاب‌شناسی به شکل کنونی درآید. یعنی نه صرفاً یک مجموعهٔ اطلاعات تخصصی بلکه به شکل اثری که اساساً جنبهٔ تحقیقاتی دارد، به همراه بررسی تحلیلی مفصلی که برخی جوانب مسائلی را که مطرح می‌کنیم روشن می‌سازد و در جریان آن، محتویات کتاب به شیوه‌ای متفاوت با روش‌های معمول کتابخانه‌ای تقسیم‌بندی می‌شود؛ به گونه‌ای که این فهرست راهنما منعکس‌کنندهٔ سؤالات پژوهشی طرح مطالعاتی بزرگتری باشد که این مجموعه از آن نشئت گرفته و به مثابه نخستین سنگ بنای آن به شمار می‌رود. برخی از این پرسش‌ها به انگیزه‌ها و اقتضات تأسیس رشتهٔ مطالعات زن مسلمان برمی‌گردد. مسئله‌ای که به یک کار

پژوهشی نیاز داشت تا به ارزیابی زمینه‌ها بپردازد، قرائن، قابلیت‌ها و منابع موجود را شناسایی کند و نقشه‌ی طرح را به گونه‌ای به دست دهد که بتوان معایب کار را مشخص کرد و این موضوعی است که به برنامه‌ریزی برای یک پروژه تحقیقاتی و مشخص کردن اولویت‌ها کمک می‌کند.

تلاش برای تنظیم این فهرست و جنبش عظیمی که در گفتمان عمومی پیرامون نکات بفرنج مسئله زن به آن برخوردیم، ضرورت علمی مهمی را برای ما خاطرنشان کرد و آن، عبارتست از: تأسیس یک رشته تخصصی دانشگاهی که به موضوع زن بپردازد؛ یعنی رشته مطالعات زنان. دانشگاه‌های غربی در خصوص تأسیس چنین رشته‌هایی در علوم اجتماعی یا علوم بین رشته‌ای پیشگام بوده‌اند. هنگامی که ما تلاش می‌کنیم امروزه این رشته را در دانشگاه‌های عربی یا اسلامی تأسیس کنیم، صرفاً از رشته‌ای که در دانشگاهی غرب شکل گرفته تقلید نمی‌کنیم، بلکه ما خود، علل و انگیزه‌های شکل‌گیری آن را داریم. علل و انگیزه‌ای که این هجم انبوه و تمام‌نشدنی آثاری که درباره زنان به رشته تحریر درآمده و در ربع آخر قرن بیستم رو به افزایش نهاده، نشانگر وجود آن‌هاست. ما دریافتیم که حجم گسترده مطالبی که در طول یک و نیم قرن در این زمینه در اختیار داریم، برخورد علمی و روشمند و بررسی و مطالعه برای تأسیس یک رشته تخصصی در این زمینه را ضروری می‌گرداند. علاوه بر این، در میراث تمدن ما منابعی درباره زنان وجود دارد که می‌بایست مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند.

اهمیت تنظیم چنین مجموعه کتاب‌شناسی از آنجا ناشی می‌شود که این کار، یکی از ضروریات شکل‌گیری این رشته یعنی رشته مطالعات زنان است؛ چرا که پایه‌گذاری یک رشته جدید، نیازمند مشخص کردن چهارچوب گفتمان رایج است که به نوبه خود، منابع، سیر تکامل، مکاتب، روش‌ها و مسائل مربوط به آن رشته را معرفی می‌کند. همچنین این چهارچوب می‌تواند معایب و کاستی‌های رشته را مشخص نماید و این کار را از طریق اصول و مبانی انجام دهیم که ما به عنوان صاحبان این طرح تمدنی در زمینه مسائل زنان می‌توانیم از طریق آن‌ها در شکل‌گیری این گفتمان سهمیم شویم؛ چه از طریق انتقاد و ارزیابی و اصلاح یا حمایت و راهنمایی. در هر حال طرح ما نگرش معرفت‌شناسی جدید و متفاوتی عرضه می‌کند که می‌کوشد رشته مطالعات زنان را بر پایه مبانی فرهنگی تأسیس کند که مفهوم آن بی‌تردید پیوستن به روند اصلاح و ارشاد است.

رشته مطالعات زنان، آنگونه که دانشگاه‌های غربی ارائه می‌کنند رشته‌ایست گسترده که به

موازات گسترش شاخه‌های علم توسعه می‌یابد. اما دچار پراکندگی و بی‌نظمی است و فاقد عامل نظم‌دهنده‌ای است که به سامان‌دهی آن بپردازد و ابعاد مختلف آن را به هم پیوند دهد. اینجاست که موضع دیدگاه اجتماعی تمدنی و نقشی که انتظار می‌رود از خلال الگوی معرفت‌شناختی که عرضه می‌کند، مطرح می‌شود که می‌تواند نواقص این رشته را جبران کند و نقاط قوت آن را تقویت نماید و در عین حال، آن را از سرنوشت ازهم‌گسیختگی و پوچ‌گرایی که مکاتب و مطالعات زنان در غرب - علی‌رغم وجود تفاوت در منشأ شاخه‌های علمی و مکتب‌های گوناگونی که از آن‌ها نشئت می‌گیرند - گرفتار آن شده‌اند نجات دهد.

همچنین ما در راستای این طرح متفاوت، تلاش می‌کنیم پیوندهایی بیابیم که پل‌های ارتباطی میان رشته مطالعات زنان و میراث تمدنی و فرهنگی عربی اسلامی برقرار سازد و با وجود اینکه موضوع زن، موضوعی جدید است که بیش از یک قرن و نیم از طرح آن نمی‌گذرد. اما در طرحی که ما ارائه می‌کنیم، حضور میراث تمدنی و فرهنگی حضوری اصیل است. در حقیقت، این فهرست کتاب‌شناسی برای ما حکم آزمایشگاهی را دارد که برای فعالیت در این رشته بر اساس این دیدگاه مناسب است. ما در جریان فعالیت در این زمینه دریافتیم که این ارتباط با میراث تمدنی و فرهنگی از نظر معنی و مفهوم بیش از یک سطح است که از شکل تا محتوا را دربر می‌گیرد.

اولاً سطح ظاهری قرار دارد که طبیعت اعمال را مد نظر قرار می‌دهد و اینجاست که مجال رایزنی و ارتباط بدون ورود به کشمکش و درگیری فراهم می‌شود؛ جایی که ما به عنوان صاحبان این میراث که روزگاری پیش‌تاز تصنیف، تألیف و طبقه‌بندی رشته‌های مختلف علمی بوده و میراث ما از این طریق در فرهنگ‌ها، دائرةالمعارف‌ها، کتاب‌ها و زندگینامه‌ها درج شده، موقعیت خود را می‌شناسیم. بنابراین جای تعجب نیست اگر ما با میراثمان که در این زمینه ید طولایی دارد، از طریق تنظیم این فهرست ارتباط برقرار کنیم. ولی در عین حال ما مترصد لحظه ارتباط هستیم تا در سنت‌هایی که صاحبان آثار در این زمینه آن‌ها را پذیرفته‌اند تحول و نوآوری به وجود آوریم. و در نتیجه نسبت به این فعالیت دیدگاهی جامع، تحلیل‌گر و انتقادی عرضه کنیم چه از جهت موضوع، چه مطلب علاوه بر پرداختن به امر خطیر طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی.

اما سطح دوم به مسئله توجه برمی‌گردد. اگرچه ما از موضع دیدگاه معاصر و واقعیات موجود در تعامل با گفتمان روز با پیچیدگی‌ها و ابهامات مسئله زن برخورد می‌کنیم، اما متوجه این نکته هستیم که میراث تمدنی و فرهنگی ما به عناوین مختلف مسئله زن را مورد توجه قرار داده؛ از جمله درج زندگینامه زنان مشهور در دائرةالمعارف‌ها و زندگینامه‌ها که تقریباً در همه

آن‌ها زنانی که در زمان خود، در رشته‌های علمی، فرهنگی و عرصه سیاست سرشناس و صاحب‌نام بوده‌اند، معرفی شده‌اند. علاوه بر این یاد و نام زنان برجسته صدر اسلام مانند همسران پیامبر(ص) و زنانی که در زمره صحابه و تابعین بودند به عنوان الگو و مقتدا، زنده نگه داشته شده است.

صرف نظر از وضعیتی که زن مسلمان دچار آن شد و ضرورت بسیج امکانات برای اصلاح و راهنمایی، مسلم است که خودآگاهی براساس چنین دیدگاهی می‌بایست به هنگام پرداختن به پیچیدگی‌ها و ابهامات و مسائل زنان بر مبنایی متفاوت شکل گیرد چه در جهت تقویت و تثبیت رشته و چه در زمینه فراخوانی برای راهنمایی و اصلاح ما از این مبنا که ابعاد تمایز در تجربه فرهنگی را در برمی‌گیرد، به اصل مطلب می‌رسیم و آن عبارتست از این سؤال که ویژگی و امتیاز طرح ما در زمینه مطالعات زنان چیست؟ از آنجایی که طرح ما در تمامیت خود در سطح دیدگاه کلی یا دیدگاه هماهنگ با آن با میراث تمدنی و فرهنگی ما در ارتباط است؛ ضمن کوشش برای تقویت مطالعات زنان به عنوان یک رشته مستقل، این تلاش را از طریق دیدگاهی مبتنی بر مطالعه واقعیات معاصر زنان و دیدگاهی که ما در خلال تهیه منابع اصیل این میراث در ابعاد عقیدتی - معرفتی و ارزش آن استنباط می‌کنیم، انجام می‌دهد.

نتیجه این تعامل چیزی شد که ما آن را دیدگاه اجتماعی تمدنی نامیدیم و به اقتضای تحت عنوان دیدگاه تمدنی به آن اشاره کردیم. در این موقعیت، تجربه و پیشینه الگوی ابن خلدون برای ما تداعی می‌شود. کسی که برای نخستین بار کوشید چهارچوبی روشنمند بیابد تا بتواند برای تدوین علم تاریخ در مطالعه و ارزیابی حوادث و اخبار بر آن تکیه کند. و در نهایت این علامه، صاحب کتاب *العبر و دیوان المبتدا و الخبر* در مقدمه خود توسعه تمدنی را به عنوان شرط تحقق مجموعه «مبتدا و خبر»^۱ مورد تأکید قرار می‌دهد. در اینجا مجالی برای مطالعه الگوی ابن خلدون و بررسی مباحث دیالکتیک او به منظور نظریه‌پردازی برای برخی یا همه رشته‌های علمی وجود ندارد.

ولی ما پیشینه منحصر به فردی را در این خصوص در اختیار داریم که ریشه در عمق میراث فکری ما دارد که می‌توانیم برای کاری که در رابطه با تأسیس رشته مطالعات زنان درصدد انجام آن هستیم به آن استناد کنیم تا به جایی برسیم که او رسید. هرچند که موضوع، سرآغاز، مطالعات مقدماتی، نتایج، محورهای مورد تأکید، دیدگاه‌ها، اهداف و روش‌ها متفاوت است.

۱. منظور کتاب مشهور ابن خلدون است که به اختصار مقدمه ابن خلدون نامیده می‌شود و کلمات «مبتدا» و «خبر» جزء عنوان طولانی این کتاب هستند. مترجم

خلاصه کلام اینکه در خلال فرایند تأسیس و مطالعات مقدماتی - چه در مرحله تهیه این مجموعه و چه در مرحله پیگیری انجام طرح‌های فرعی و مکمل که در چهارچوب اهداف و مبنای کلی طرح قرار دارند - در خصوص رشته مطالعات زن معاصر، مکتب‌ها و روش‌های آن تأمل و درنگ کردیم تا به این نتیجه رسیدیم که می‌بایست با مسائل مربوط به زنان و پیچیدگی‌ها و ابهامات آن در چهارچوب جامعی برخورد کرد تا میان ابعاد توسعه‌ای به هم مرتبط، ارتباط ایجاد کند و از دیدگاهی که آن ابهامات را در چهارچوب‌های تمدنی خود قرار دهد و آن‌ها را از هم جدا نداند تا بتوان به درک جامع‌تری از این پیچیدگی‌ها دست یافت. به این ترتیب دوباره به بازشناسی دیدگاه تمدنی رسیدیم که طبیعتاً دیدگاهی است کلی که بدون ورود به جزئیات و تقسیم‌بندی به بررسی پدیده‌ها می‌پردازد.

ما در این فرایند از دو زاویه به این دیدگاه رسیدیم: یکی که با برخی سنت‌های فکری و فلسفی که ریشه در میراث ما دارد پیوند خورده و در مکتب تاریخی در اندیشه ابن‌خلدون به آن شکل که گفتیم تجلی یافت. و دیگری، پالایش شده که از روش‌های عصر جدید و تجربیات و دستاوردهای آن بهره می‌گیرد که با توانایی‌ها و آگاهی‌هایی که داراست، شامل واقعیات ارتقاء سطح شناخت در علوم جدید نیز هست و به همین علت این واقعیات باید در آگاهی روشمندی منعکس شود که دیدگاه تمدنی امروز را به تفصیل بیان کند و آن را تثبیت نماید و ابعاد شناختی که در آگاهی ابن‌خلدون واضح نبود، به روشنی در آن منعکس و متجلی شود.

توانایی ما در تحقق بخشیدن به ابعاد تازه این دیدگاه به همان اندازه که مرهون چالش فرهنگی است که انسان مسلمان معاصر در حیطه عقل و وجدان با آن زندگی می‌کند، نتیجه جهشی است که دانش جدید آن را به وجود آورده است. آگاهی ما از ناشناخته‌های میراثمان در کنار استقبال از افق‌های جدید تنها در صورتی به اوج خود می‌رسد که با واقعیات در هر دو بُعد آن در ارتباط باشد: بُعد گرایش و بُعد روش. و این همان چیزی است که ما که در حال تأسیس رشته مطالعات زنان از دیدگاه فرهنگ و تمدن اسلامی هستیم به دنبالش هستیم. تا هدفمان را از ارائه این دیدگاه تحقق ببخشیم که امیدواریم به برکت سرشت و ویژگی‌های زمینه‌ای معرفتی (توحیدی) که اساس این دیدگاه است، برای رشته مطالعات زنان، نقش عاملی را بازی کند که آن را کانالیزه نماید و انسجام و یکپارچگی را که فاقد آن است به آن بدهد و چه از نظر هدف و چه از نظر مبنی آن را ارتقا بخشد.

در پایان باید به این نکته اشاره کنیم که این کتاب‌شناسی در واقع نخستین بخش از مجموعه‌ای است که ما آن را مجموعه مطالعات زن مسلمان نامیده‌ایم و آن مجموعه‌ای است

که از درون رشته مطالعات زنان و از مبنای تکامل بخشیدن به آن دیدگاه جانشین در مطالعات اجتماعی توسعه‌ای عمل می‌کند که با اصول معرفتی متقن خود - همانطور که در مقدمه به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته - سلامت ابعاد فلسفی، عقیدتی و ارزشی آن را تضمین کند. در جریان فعالیت در این رشته مرتبط با زنان در دو بعد مطالعاتی سیستماتیک و پژوهشی فکری امیدواریم که مجموعه مطالعات زن مسلمان به مثابه دریچه‌ای باشد که امکان مشارکت گسترده‌تر و استفاده بیشتر از آنچه که ما در صدد انجام آن هستیم را فراهم سازد و همچنین امید داریم که اعمال این دیدگاه، موجب استمرار تعامل با جوانب متعدد مسائل مربوط به زن عرب و مسلمان و در رأس آن‌ها بررسی دوباره تاریخ زن مسلمان و برخی پیچیدگی‌ها و ابهامات در رابطه با وضعیت واقعی زن مسلمان گردد. این فهرست کتاب‌شناسی در چهارچوب یک مطالعه عملی (آمارگیری، نقد و تحلیل) انجام پذیرفته که می‌کوشد برای مطالعه در حوزه زن از دیدگاه تمدنی، زیربنای روش‌شناختی و پژوهشی فراهم سازد و علاوه بر این، این مجموعه زیربنای طرح‌های دیگری نیز هست که خوشحال می‌شویم مورد توجه خوانندگانمان قرار گیرد. از جمله طرحی که تا اندازه‌ای آن را به اجرا درآورده‌ایم و عبارتست از بررسی منابع موجود در میراث تمدنی عرب در موضوع زن که معادل کتاب‌شناسی تاریخی گفتمان معاصر است که پیش روی ما قرار دارد.

با اطمینان خوش‌بین هستیم که این کار ما از طریق ارائه منابع و ابزارهایی که به فعال کردن و تکمیل روند پژوهش و مطالعه کمک‌های سودمندی می‌کنند به میراث عربی ما و نهضت علمی ما در محافل و انجمن‌های فرهنگی و آموزشی معلومات تازه‌ای بیفزاید. و این خوش‌بینی ریشه در آرزوهای بزرگی دارد مبنی بر اینکه پروژه بزرگ‌تر ما برای تأسیس رشته مطالعات زنان از دیدگاه تمدنی، گامی و چراغی باشد برای راه تازه‌ای که زن مسلمان معاصر در راه طی کردن آن است و این درحالی‌ست که او می‌کوشد موقعیت و نقش خود را - که در طول فراز و نشیب‌های دوران انحطاط تاریخی امت - تقریباً از دست داده بازابد. تا زن نوین از خواب غفلت برخاسته هم به امور خانه بپردازد و هم به فعالیت‌های علمی و فکری. و در کنار نسل‌های زندگی ساز، مهارت بی‌نظیر خود در هنر زندگی کردن را به نمایش بگذارد و دوباره شیخ مردان شود و مورد اتکای آنان قرار گیرد و زن مسلمان نقش خود را به عنوان عالم، مجتهد و حافظ امانت و میراث امت بازابد؛ در قالب میراثی که شاید در میان زنان جهان تنها به زنان مسلمان اختصاص داشته باشد تا حدی که با احترام دست به دست می‌گشت. تا اینکه زمانی فرا رسید که علم و جهل در هم آمیخت و در نتیجه سنت‌های

پسندیده و فهم و درک از میان رفت و پیش از آنکه جهل و نادانی، چشمها و افراد را در برگیرد، خرد و بصیرت روی در نقاب کشید.

در پایان با قلبی سرشار از ایمان و امید به عنوان سرپرست امانت و مسئولیتی که امر خطیر اجرای پروژه‌های نوپا در آغاز عمر طولانی آن اقتضا می‌کند تنها می‌توانم اجمالاً از تمام کسانی که در به راه افتادن و انجام این پروژه مشارکت داشته‌اند قدردانی کنم. نخست از اقدام هیئت امنای دانشگاه علوم اسلامی و اجتماعی در تأسیس کرسی مطالعات زنان که با توجه به شرایط و موقعیت آن، اقدامی منحصر به فرد بود و نشان دهنده افتتاح رشته‌های نوین و توجه به آن از دیدگاه مبتنی بر برداشتی نوگرایانه که می‌کوشد در طبقه‌بندی علوم انسانی و اسلامی تجدید نظر نماید. ما به همه کسانی که در این هیئت محترم، در این کار مشارکت نمودند و دست به اقدام زدند و پیشگام بودند درود می‌فرستیم و در رأس آن‌ها از تلاش‌هایی که رئیس دانشگاه، استاد و بزرگ ما آقای دکتر طه جابر العلوانی برای موفقیت این پروژه مبذول داشتند بی‌نهایت سپاسگزارم.

همچنین از خانم دکتر نادیه مصطفی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه قاهره و مدیر مرکز مطالعات سیاسی تمدن‌ها در قاهره به دلیل سهم بزرگی که در نظارت بر این پروژه و گروه‌های تحقیقاتی آن داشتند و عملکرد آن‌ها را هدایت نموده و مشکلاتشان را برطرف می‌نمودند، کمال تشکر را دارم. البته این کار از کسی مانند ایشان که در جهت رفع یکی از کاستی‌های سازمان‌دهی مجدد علوم انسانی به خصوص در رشته روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند عجیب نیست همانطور که در پروژه روابط بین‌الملل در اسلام چین کردند. خرسندم که با افتخار از گروهی از دانشجویانم یاد کنم که فعالیت‌هایشان از محدوده اقدام دوستانه در قاهره از محبت و پشتیبانی فکری فراتر رفت، شور و اشتیاق و علاقه آن‌ها و دیگر خانم‌های محقق که به آن‌ها پیوستند، انگیزه واقعی انجام این کار و تحمل مشکلات آن بود.

ضروری است در اینجا نقش پیش‌تازانه دارالفکر^۱ را در نشر آگاهی روشنی بخش در صفوف امت و تبدیل کردن تریونش به عرصه‌ای سرشار از پویایی و سرزندگی برای همگان، گرمی بداریم، زیرا که سبب تکامل دیدگاه‌ها و اهداف و متمرکز شدن تلاش‌ها و به هم پیوستگی صفوف می‌گردد و به این ترتیب راه بیداری و تجدد را روشن می‌کند. به ویژه سپاسگزاریم از استاد محمد عدنان سالم، کسی که در رأس چنین مجموعه‌ای قرار دارد که دوره‌های روابط درخشان میان شکوفایی اندیشه و جنبش نشر علم و صنعت کتاب را دوباره زنده می‌کند. و چه قدر خوشحال

شدم هنگامی که فهرست کتاب‌های منتشر شده دارالفکر را مرور می‌کردم و میان آن‌ها سلسله کتاب‌های «مشکلات تمدن» نوشته اندیشمند الجزایری، مرحوم مالک بن نبی را یافتم. شاید بتوان این اقدام ما را به فال نیک گرفت زیرا ما بعد تازه‌ای به این مجموعه می‌افزاییم. امیدوارم خداوند آن را مایه خیر و برکت فراوان قرار دهد و انتشار کتاب «گفتمان زن و جامعه در یک قرن» سرآغاز همکاری آگاهانه و سومند میان دو مؤسسه باشد که در هدف و آرمان نوزایی تمدنی در بهترین امتی که برای مردم قیام کردند^۱ باهم مشترکند.

هر توفیق و نیکی از اوست.

أ. د. منی أبو الفضل